

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

ارسال و پیشگفتار از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۶

سوسیال امپریالیسم روس و جنایاتش در افغانستان

۲

پیشگفتار:

نشر این سلسله اسناد، که در گذشته های دور نگارش یافته اند، به یقین فهم همان زمان فعالان سیاسی را از مجموع جنبش نمایندگی نموده، چه بسا در برخی از موارد، با افکار و قضاوت های کنونی حاکم بر جنبش تطابق نداشته باشند. به همین مناسبت لازم می داند تذکار دهم، که نشر این سلسله به هیچ صورت بدان معنا نیست که این قلم له و یا علیه بخش های مختلف جنبش انقلابی کشور موضعی اتخاذ نموده ام. بلکه علت اساسی نشر چنین اسنادی گذشته از معرفی اوضاع آنروز جنبش، تأکید بر مواضع اصولی آنها علیه سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا، امپریالیسم امریکا و ارتجاع بین المللی و منطقه می باشد.

ن. م.

بدین ترتیب محمد داود بنده نیال افتخار بخش اول نماینده "دموکراسی - قانون اساسی و پارلمان..." که بشکست کامل انجا باید قسمت دوم آنرا "جمهوریت" عنوان کرده و در نقش منبر چپ بنمایش افاز میکند. او در بیانیه ان از مردم نام می برد. از انقلاب صحبت میکند باز کارگر و دهقان حرومی زند و بیاناتش را زیر عنوان "خطاب مردم" ایراد میکند. داود با پرتاب میخی در دل داور دست سه ترک - بیبرک این میمون هلی بیخورد سخت نسوق و شور انگزد و آنها را بسران گمر ساختن نمایش خود خوش رنمائند. داود عناصر رورزیست وابخته به داور دسته ترک ک بیبرک را در بیبرکراسی دولتی خود راه داد از اینخوار رورزیستیم تغذیه نشوریت کرد و لاطالانی چون تقویه سکور دولتی - راه رشد غیبر سومایدار دولت عمیم خلقی را از زرا د خانه خروش بمانت گرفت و آنرا پرتابه دولت کودتایی خود اعلان کرد.

ذهبی سعادت که نمیب خلق افغانستان شد ۱ باز هم بدعت خروشف - بیبرک که حتی سردار بیبرک در جو رورزیستیم شان "تجدید تربیت" می شود و علیه سلطه ان نیم قرن خاندان خود انقلاب میکند ۱ داور دسته ترک ک - بیبرک دیوانه وار با استقبال کودتای داود شناختند. جمهوریت نام نهاد داود را پدیدده ان مشرفی خواندند و دفاع از انرا وظیفه کلیه انقلابیون کشور ۱ خلق دلشیر افغانستان صحنه سازی ظاهر شاه - داود شاه را در همان صبح کوتشا درک و در مقابل ان موضع گرفتند. داور دسته ترک ک - بیبرک روز نامه ان خبنامه نماینده ایرونی داود شاه بخش و در ان "جمهوریت" را مانند قانون اساسی و دموکراسی ظاهر شاه دست آورد مبارزات سالیان دراز خلق افغانستان خواندند. داور دسته ترک ک - بیبرک در خدمت دستگاه همان جاسوسی صیفا محولات (محمونیت ملی) داود شاه قرار گرفتند. رورزیستیمها بیبرمانه در پی تبلیغ کودتای داود هیاهو پراه انداختند و بیسه بلند گون دولت ارتجعی داود تبدیل شدند. با همان زور "شور" و "شور" و "شور" دموکراسی " که جهره ظاهر شاه را در زمان سلطنتش ارامتند سر و صورت داود را غلیظتر ارایش کردند. ظاهر شاه را که تا دیرتر کسودتای

داود یکه تاز میدان دموکراسی در شرق میخواندند دیگر مستبد، بیکفایت... نامیدند. قانون اساسی را که دست اورد خلق افغانستان، پارلمان را که مظهر اراده خلق افغانستان تبلیغ میکردند دیگر ارتجاعی و سیاه خواندند. مدال های مطای روزوتیس را از ظاهر شاه برای ارایش داود شاه بعاریت گرفتند تا سینه داود را بان مزین سازند.

دارو دسته تره ک بـ بـ بـ با رویگار آمدن دولت داود هر کدام حسودانه خود را بدربار داود نزد ساختند و خدمات یکدیگر در استان جمهوریت داود برای بدست آوردن مقام ناچیز خوانده وارد صحنه پلمیک بازی میشوند. خوانندگان به نوشته دارو دسته بـ بـ در خطب به تره کی توجه کنند که چگونه خواسته است خود را بدربار داود مقرعتر سازد: "عناصر بیدار خلق بیاد دارند که در طلیعه ای ایجاد رژیم جمهوری در هیئت رهبری ان عناصر چپ و مترقی و دموکرات و ملی اکثریت و تسلط داشتند و پیروگرام (خطاب ب مردم افغانستان) را اعلام کردند...".

خوانندگان همه میدانند که هیئت رهبری کودتای سرطان ۱۳۵۴ کی بود و پیروگرام "خطب ب مردم افغانستان" را کی اعلان کرد. بنا بر ان عناصر چپ و جناح مترقی "رژیم جمهوری" چه کی میتوانست باشد غیر از داود جلاد و دارو دسته اش کتره ک بـ بـ بدفاع از ان برخاستند و خواستار تضییق برنامه های ارتجاعی او بودند. این مگر همان اقایون تره ک بـ بـ امروزی نبودند که خود را با ساز و برگ دولت فاشیستی داود سازگار ساختند و کودتایش را انقلاب نامیدند؟ این مگر اقای تره کی نبود که فاشیون فاشیستی جزای داود را که اجتماع حتی پنج نفر را ممنوع قرارداد بود طی تشریح حزب درباری خود تائید و دفاع از انرا وظیفه خود دانست؟ اقای تره کی! شما که امروز بر سنده همان داود تکیه زده اید و تاجش را بسر گذاشته اید چه تفاوتی میان امروز شما و دیروز داود وجود دارد که او را داود شاه میخوانید؟ اگر او را بخاطر تاج و تختش و فاشیسم او داود شاه میخوانید مردم حق دارد شما را تره ک شاه فاشیست و وطن فروش از قماش داود بنامند چه در واقعیت عمل تفاوتی میان شما وجود ندارد.

اینک هم قطعاتی از نوشته های امروزی روزوتیستها: "وطن از استبداد سردار محمد داود نجات یافت، دوران برادری و برابری واقعی لغز یافت... در جای دیگر: "دستگاه فساد پرور و ضد ملی دولت و شبکه های جاسوسی رژیم فرتوت سلطنتی و نماینده ای برجسته ان محمد داود در زیر ضربات قوای هوایی و زمینی بیاری خدای توانا و به پشتیبانی تمام نیرو های دموکراتیک، ملی و انقلابی وطن محبوب ما افغانستان در هم کوفته شد... در قطعه دیگر چنین مینویسند:

تودمان نادر غدار و خصوصاً سرمدار استبداد داود جلاد به نسبت کشتن روحیه شجاعت فطری مردم افغانستان گاهی در زمیند اور کند هار گاهی در کواز گاهی در هزاره جات تیخ از نیام بیرون کرد و مرد پید فاع و شریف و وطن پرست دره هلی کنر را نیز بخاک و خون کشید .

حضرات کودتا چپی که در ان زمان داود را چپ ، ملی ، مترقی و دموکرات خواندند ایا کتار مردم بید فاع و شریف افغانستان را توسط داود فراموش کرده بودند ؟ ! ایا بیانیه (خطاب بمردم) انعمه خونهای مردم زمیند اور کند هار ، هزاره جات ، کتواز و دره های کنر را از دستهای خون الود داود شستشو داد ؟ ! واقعیت اینستکه بیانیه (خطاب بمردم) که از حنجره پرژرف بزبان داود دیکه شد دارودسته تره ک ببرت را چنان مست و مدهوش ساخت که مغز علیل شان کتار داود را بدست فراموشی سپرد تره ک بسببک خائنانه روی خون هزاران هزار شهید بیگناه پا گداشتند و داود قاتل را بیشتر مانه عنصر چپ ، ملی ، مترقی و دموکرات ناسمیدند . با تخطی از مواضع دیروزی خوش چنین می نویسند : " . . . در عهده این سردار خود خواه و جاه طلب تاریخ ، سو استفاده از قدرت دولت و همتی مردم با او رسید . رشوت و میداد گری چور و چپاول قانون عام جمهوریت قلابی داود ن گردید . جنون بی پایان شهرت طلبی چشم این ستمگر تاریخ و جلاد مردم را کور کرده بود . " (روزنامه انیس مورخ ۱۳ ثور سال ۱۳۵۲ شمسی) روز نویستها که ان زمان در ستایش داود به حیث عنصر چپ دهن پر اب میگردند و کودتایش را انقلاب و رژیمش را با کلمات ظریف و نفیس ، طلیعه ان ایجاد رژیم جمهوری " و " جمهوری جوان افغانستان " می ستودند چه اتفاقی افتاد که امروز بر نوشته های مستند دیروزی خود خط بطلان میکشند ؟ ! روز نویستها که ان زمان بمنظور استقرار و سوق جمهوری جوان کشور بجهت انقلابی و دموکراتیک و تطبیق مراسم مشرکی (خطاب بمردم افغانستان) که از همان صبحگاه اعلان رژیم جمهوری " مبارزه میگردند چه اتفاقی افتاد که امروز بران خط بطلان کشیده ان " رژیم جمهوری جوان افغانستان " را ادامه سلطنت نادر خان و داود " عنصر چپ " دیروزی را ستمگر تاریخ و جلاد مردم میخواهند ؟ !

واقعیت اینست که دولت داود برای روزنیستها خوش درخشید ولی مستعجل | تا زمانیکه داود روزی-نیستها را در خون خود شریک بالاستحقاق وانمود میکرد دیگر قنیه کشتار مردم بین توه ک-بیرک و داود در میان نبود. تیره ک بیرک سر از گریبان داود بیرون میکردند همانطوریکه داود جامه وار آنها را درخود پوشاند. ولی هنگامیکه چاکلی شان در استان ظاهره و سپس داود شاه خنای آنها را نزد مردم بیرنگ ساخت دیگر متاع شان در دربار داود هم بازاری نداشت. بنا بر این داود آنها را یکا یک از خدمت دربار مرخص و بساطشان را از دولت برچید. بدیشتیب روزنیستهای داخل تبدیل به لاشه هلی گدیده سیاسی آماده بدفن شدند که حتی داود گفتار از تغذیه بر آنها عار داشت. از جانب دیگر وابستگی داود با امپریالیسم امریکا و سفرش به مرستان س-م-ع-و-د-ن سوسیال امپریالیسم شوروی را با وجودیکه امتیازات بیحد و حصری که در افغانستان بدست آورده بود سخت نا راحت ساخت. انکشاف اوضاع در شرق میانه بنفع امپریالیستهای امریکائی و سلاطین داود با سادات، میانجیگری محمد رضا شاه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا بدستور کار تر، برای اعتبار دادن مذاکرات سادات-بیگن در "برقراری صلح در شرق میانه" بنظر مرتجعین کمرن حرکت "ضد روسی" بود چه سرخ "ابتکار" درین مذاکرات بدست ابر قدرت امریکا بود که سوسیال امپریالیستهای روسی از بهره گیری درین معامله میان ارتجاع عرب و امپریالیست های امریکائی بالی حقوق حقه خلق عرب بی نصیب میماند. علالتا نظریه حرص و ولع سوسیال امپریالیستهای روسی در رسیدن بایمان بحر هند که از ارزوی دیرین شان استافغانستان یک منطقه مهم ستراتژیک بوده که دولت های ارتجاعی افغانستان در زیر فشار خلق نتوانسته اند این مامول دولت شوروی را تا امروز بر آورده سازند. دولت شوروی برای تطبیق برنامه های شوم خود و رقابت با امپریالیستهای جاپانی، غربی امریکائی در چپاول خلقهای قاره آسیا توطئه های اعضا "قرار داد صلح آسیائی" را براه انداخت تا از یکطرف دولت های ارتجاعی منطقه را مانند اقمار اروپای شرقی شامل پیمان های نظامی-سیاسی خود ساخته و خلق چین را تجرید کند از جانب دیگر پیمانهای اقتصادی برلین چپاول بیشتر نروتهای منطقه (مانند کیان در اروپا) درپهلوی پیمان نظامی سیاسی خویش در آسیا بوجود آورد. پس از شکست توطئه اعضا "قرار داد صلح آسیائی" در امر مقاومت خلقهای منطقه، سوسیال امپریالیسم شوروی بمدخلات مستقیم در امر داخلی کشور های آسیائی دست زده و از جانبی هم اختلافات مرزی بین کشور ها را مفرضانه دامن میزند

تا اب را کل الود و خود ماهی مراد بگیرد. اوج گیری اختلافات مرزی بین
افغانستان و پاکستان روی مسأله پشتونستان، تجاوزات دولت هند بر پاکستان
شرقی با تکیه نیروهای نظامی روس روی کار آمدن مجیب الرحمن، دامن زدن اختلافات
مرزی کشمیر با هندوستان مداخله شوروی در امور داخلی سری لانکا یک سری
حوادثی است که بدستور روس ها و دستیاران احزاب ریزونیستی و دولت های ارتجاعی
فضای سیاسی منطقه را مکدر ساخته است. از جمله کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ بر
مبنای سیاست تجاوزی شوروی دارودسته تره کبیرکتر از لبه گور نابودی براریکه
سلطنت داود شاه رساند که یقیناً این کودتا اقتاب به لب بام رسیده شان را به زوال
ابدی خواهد سپرد. دارودسته تره کبیرک نوکران گوش بفرمان شوروی با کودتای
۷ ثور ۱۳۵۷ دیوانه وار دیهیمگاه سیا شاه داود خان را به اتکا دولت روسیه صاحب
گردند. شبکه های جاسوسی کی جی بی. بدستاری ریزونیستهای وطنی کودتا را سرهمبندی و
سرانجام تاج و تخت سلطنت را با نائیکه سالها در عطفان بال و پیر سوختند تسلیم داد.
خلق افغانستان کارگزاران مله هران سیاسی - نظامی شوروی را چون اقتاب رخشان
همانروزیکه در "دلش" کودتا براه افتاد بچشم سر مشاهده کردند. ریزونیستهای
افغانی که از هیچگونه دنائت، کرنش و شوکت در جرم وطن فروشی های ظاهرش
و داود شاه برای کسب قدرت دریغ نکردند، اینک پیمان وطن فروشی خود را در
قبال کرامت اربابان خویش سر از نو عقد کردند.

دارودسته تره کبیرک در هر قدم حرکات دولت ضد خلقی شوروی را که برگزده این
مردم افغانستان پی میگذاشت همرا کنان استقبال کرده اند. ظاهر شاه را بتامی از سفر
بشوروی دست بوسیدند و بخاطر تمايلاتن او را شرقی، دموکرات، حامی مردم و حافظ
حقوق شان خواندند و سران دموکراسی، پارلمان و قانون اساسی او را سرودند.
برای داود شاه خون رقصیدند، جاسوسی کردند و او را عنصر چپ نامیدند. خلاصه
تره کبیرک هر "گلی که به لب ریختند" همه بیاس گل روی روسها بود. نغمه ها
سرودند همه برای درگشائی روسها به افغانستان.

تره کبیرک قرار داد گاز را بقیمت یک بر سم نرخ بین المللی ان عادلانه
خواندند زیرا که گاز افغانستان منبع غنی ندارد تا مصارف تمديد پایب لایس

را به اروپا جبران و بعداً "بخر بین المللی بفروشد". بنا بر روسها " برای جلوگیری از هدر رفتن گاز " و به منظور " کمک اقتصادی " با افغانستان حاضر شدند انرا خریداری کنند! اگر این عبارت را از زبان تره ک-بیرک بزبان يك افغان بفرماید ترجمه کنیم چنین میشود: چون افغانستان امکانات اقتصادی تمدید پایب لاین گاز را تا اروپا ندارد بنابراین گاز در مارکیت چپاولگران اروپائی عرضه شده نمیتواند لذا خردههای محکوبی دغدغه انرا تناول میکنند. تره کوبیرک که سنگ انقلاب بسینه میکشد درین تحلیل ماهیت ارتجاعی خود را آشکار میسازند. بدینمعنی که بزعم انها قیمت گاز افغانستان را قیمت مارکیت های اروپا تعیین میکنند نه عرق جبین و نیروی بازوی کارگران و زحمتکشان افغانستان که دولت تنزیل بگیر شوروی خود را از ان نرسه ترمیمزد؟! بدینمعنی که دولت خائن شوروی با سرمایه گذاری و انحصار خود تفاوت نرخ را به جیب میزنند نه محصول رنج کارگر افغانی را که خود در بدترین شرایط برای تخمین، پخت و پز از فضلہ حیوانات و گیاه های دشتی استفاده کرده و زمستان های سرد را سپری میکنند! اگر منطق این باشد بسادگی شوروی را هم میتوان کشور سوسیالیستی قبول کرد که سنگ برین منطق بزرزنی!

کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی بارها ارزیابی خانانه متخصصین روسی را از منابع گاز، نفت، ذغال... افغانستان افشا کرده که منجر به برطرفی، تهدید و زندانی شدن شان گردیده است. زمانیکه کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی بر ضد خیانت های دولت شوروی دست بافتن آگری و مبارزه پیگیر زدند - روسها خانانه ذخیره - گاه گاز را آتش زدند که آتش سوزی ان ماه ها طول کشید و ملیونها افغانی گاز افغانستان قربان غضب خرس های روسی گردید. ولی دارودسته تره ک-بیرک بیشمارا از اعمال و قرارداد های چپاول گرانه روسها بدفاع برخاسته بر ضد افغانها بطرفداری از روسها منعگری و برخلاف ارزیابی کارشناسان افغانی سروری غرثالود روسها را قابل اعتبار خوانده اند. تره ک-بیرک که در بیخوردی هم از بیوجدانی دست کپی ندارند، دودسته بمسطحه باداران روسی خود چسبیده منبع گاز افغانستان را ناچیز جلوه میدهند تا ریا خوری دولت تنزیل بگیر شوروی را از ثروت مردم افغانستان تبرئه کنند. در حالیکه اگر بکشند این مسطحه را اندکی نزدیک بسطح خرد انسانی تحلیل کنند بزودی پی خواهند برد که اگر گاز

افغانستان منبع غنی نداشت دولت شوروی چگونه استخراج خریداری انرا برای مدت طولانی بیست سال انحصار کرد؟! هر گاه تره ت-بیرن در روشنی این تحلیل بر بیخردی خود فایق آیند . درمان بیوجدانی شانرا خلق افغانستان خواهد کرد و انها را در مضع مردم افغانستان خواهد کشاند!

کودتا چیان که با هزار ها من سرتر کوشیده اند تباى انقلابی بر چهره خود و اربابان روسی شان بزنند امتیازات بحد و حصر دولت شوروی را در افغانستان توسعه دادند . در عرض چند ماه بعد از کودتاده ها قرار داد اقتصادی اعطاء و پروژه های پرسودی را مانند قرار داد ساختن يك مجتمع ذوب مس ، سرمایه گذاری بیشتر شوروی در دستگاه برق حرارتی مزار شریف ... را بر سر واکگذار کردند تا از یکطرف سرمایه های انباشته شده شوروی بدوران بهره گیری افتد و از جانبی دولت ضد خلقی شوروی را در انظار عامه دایه مهران جلو دهد .

کود بویا افغانستان که دارای کیفیت عالی بوده دولت خائن شوروی خریداری انرا پائیتسر از نرخ بین المللی در بار جامه های پلاستیکی ساخت جاپان که باید افغانستان انرا خریداری کند انحصار کرده است . هزار ها تن کود بویا که نظر باشکال مواصلائی بار جامه های جاپانی ، در بار جامه های عادی به بندر حیرتان انتقال داده شده است از طرف روسها مسترد گردیده و بعمارف افغانستان دوباره بگدام انتقال و قسمت زیادی از ان در اثر بارندگی ، خسارات حمل و نقل و غیره عوامل تلف گردیده است . دولت شوروی کود بویا افغانستان را بالای اعمار اروائیسش بغروم رسانده از دلالتی ان ملیونها افغانی ثروت مردم افغانستان را بحیب میزند .

سمنت افغانستان که در فابریکه های سمنت غوری و جیل السراج تولید میگردد بنرخ یت بر سوم تا یک بر ششم در مواقع قلت و احتکاران توسط کمیشنکاران) آنچه خود مردم افغانستان برای خریداری یک خریطه ان میپردازند بروسیه صادر میگردد . در حالیکه مردم افغانستان در بدترین شرایطی مسکینی بسر میبرند و صبح های زود تا شام های دیر با دستگاه های بیروکراتیک چنه میزنند تا امر خریداری پنجاه خریطه سمنت را بدست آورند . سر انجام امر بیروکراتیک در بدل رشوه گزافی در پهلوی روشناسی و وساطت بدست آمده نظریه اینکه ماه ها در معازنه تجویع سمنت وجود ندارد ، یا مفقود و یا هم بوسیده میشود . و لی دولت تره کی بهیوجه حاضر نشده صدور سمنت را بشوروی قطع و یا حد اقل تقلیل دهد چون از توانش خارج و از خواستش دور است .

محصولات مارم هده و لايت تنگهار ، پنبه و لايات شمالي وغيره ميوه جات خست و تازه كور بعد از انتقال به بندر از طرف روسها بخواست خود سان درجه بند ي ميشود . روسها اين افلام عادراتي افغانستان را عمما يت تا دو درجه پائينتر از مسترد بين العلي ان سورت ميكند كه مقامات افغاني اصلا حق هيچگونه ابراز نظر و يا اعتراض را ندارند . در غيران نما افلام را مسترد و افغانستان را متهم به نقض قرار داد و محكم به " جيران " ان ميكند .

دولت شوروي نظريه ما هيت از تجليش تنها بچپاول افغانستان اكفا نكرده بر ميخاي سياست تجاوزيش خواستار تطبيق پلان هاي شوم خويش براي بدست آوردن نقاط ستراتيجيك در منطقه ميباشند . دولت تره كي اين سگ زنجيري سوسيال امپرياليسم روس براي تا مين ارزو هاي ديرين با داران خود ديري از دو مساله پشتونستان را حاد و حاد تر ساخته ميخواهد مردم افغانستان را در خدمت سياست جهانگشائي و مها قرار دهد . تره كي كه اكون به پيروي از سياست ضد خلقي دولت شوروي " صلح " ، " دموكراسي " . . . نشخوار ميكند ، رويايي جز جگك افروزي و ژاندارم شدن در منطقه چيزي بسر ندارد . سفر حفيظاله امين به كوسا و دفاع از سياست كاسترو و اين پياده شطرنج روس در امر توسعه مستعمرات شوروي بيانگر تصورات ابلهانه تره كي و دارو دسته اش ميباشند .

دولت تره كي و اربابان روسي اش كور خوانده اند . خلق افغانستان هرگز حاضر نخواهد شد گونت دم نوپ و قرباني سياست جگك افروزان روس در زير شعار " صلح " ، " دموكراسي " . . . شوند . تره كي بايد بداند كه اين ارمان را با خود بگور خواهد برد چه حناي كاستروسم در بين خلقهاي جهان ديگر رنت باخته است . در ان زمان كه كاستروسم توانست بطور نسبي در افريقا پايه اي ايجاد كند ، فقط راديكاليسم انقلابي ان در برانداختن رژيم (فاشيستا) و مضمگيري جسته گريخته اش بر ضد امپرياليسم امريكا و سوسيال امپرياليسم شوروي بود . ولي از هنگامي كه كاسترو به موشي دايان (بيكن امروني) افريقا و كوسا با اسرائيل افريقا تبديل گرديد ، خلقهاي جهان مقام كوسا را در مدار شوروي و جاي كاسترو را زباله دان تاريخ تعيين كردند .

دولت تره كي با پايه هاي لوزان و ندانستن كوچكترين نقطه اتكائي در بين مردم كه داغ رويوزيسم حتي قبل از كودتا در جينش ميسد در خشيد ، به چوجه قادر بر ژاندارم شدن منطقه نخواهد بود . هر چند ملتاريسم شوروي در تجهيز ان مذبوحانه تلاش ميورزد . در يك كلام دولت تره كي و با داران خارجيش ناگزيرند بفرمان اميرانه تاريخ كه خلقها خواستار آزادي اند و ملل خواهان استقلال گوتش فرا دهند .

سومگیری محصلین و دانشجویان در مقابل دولت کودتا:

رقم روزنیستهای افغانی هر چند با سوق و کرنا ی روسی "ارکستر سفانی معاصر" اجرا میشود برای مردم افغانستان که از دلقک بازی ظاهرشاه و داود شاه بطح آمده بودند تموع اور است. موج مبارزات مردم - نفرت بیض ازحد روشنفکران انقلابی - استعمال سلاح های شوروی برای سرکوب جنبش خلق - پناه بردن روزنیستها بدستگاه های فرتوت ظاهرشاهی و داود شاهی برای خفه کردن صدای اعتراض مردم - دندان سپید کردن نور محمد تره کی بر بیروت کارمل و بیروت کارمل بر نور محمد تره کی بالای بقایای کیف سلطنت ماهیت ضد انقلابی روزنیستهای وطنی را روز تا روز در عمل ثابت کرده و بلعت رنک باختن شان در انظار عامه گردیده است.

دولت روزنیستهای وطنی بایادی کارشناسان روسی برای جلوگیری از تجرید شدن بیشتر خویش دست بفعالیت های تبلیغاتی زده میخورد گرد و خاک لعنت را که مردم تشارشان میکنند با تبلیغات از سر صورت ملمون خود شستشو کنند. دولت بر علاوه هیا هوئیکه در داخل کور براه انداخته از طریق نمایندگی های سیاسی ظاهرشاه و داود شاه در خارج از کور که اکنون در خدمت دولت ضد مردمی شان قرار گرفته مقالاتی و به نشر میسپارند. مرزا بنویس ها و اجیران سفارت دولت در امریکا با هرزه درائی و پیر روی خاصی که فطرت انعامت توصل جسته به پخش نشراتی بی سرو ته بنام محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کور دست زده اند. این تشارتن های سیاسی باز هم میخواهند با دست جعلکار خود بر محصلین - دانشجویان و روشنفکران افغانی در خارج از کور لجن پاشیده بر انها تجارت سیلسی کنند. تصورات کودگانه مغز علیل شان نشان دهنده دست و پاچگی انها در مقابل جنبش خلق و نفرت بی پایان روشنفکران انقلابی در داخل و خارج از کور است. سفارت دولت ضد خلقی افغانستان در امریکا دست به پخش نشریه مبتدلی بنام "خیبر" زده و انرا "نشریه خیبری محصلین و جوانان دموکرات افغانستان" نامود کرده است. "نشریه خیبری محصلین و جوانان دموکرات" نشریه کبیدی که فقید بزمخ نوکران سوسیال امپریالیسم شوروی برابر است و بنظر محصلین، دانشجویان، روشنفکران انقلابی و افغانهای مقیم خارج ینک نشریه ارتجاعی و ایمنه بدولت ارتجاعی افغانستان است. محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کور دیر زمانی است بفضای سیاسی روزنیستها وطنی و درت کودگانه شان از مسائل اشانی دارند.

درویشراگنی تشریح مبتذل "خیبر" بصراحت نشان میدهد که گردانندگان ان اجیران سفارت ضد خلقی افغانستان در امریکا بوده و جز بازگو کردن لا طائلات اربابان شان در داخل کشور چیزی بیش نمیدانند. کارگردانان دولت ضد مردمی افغانستان در حالیکه شکست قطعی خود را در سیاسی تئوریت سیاسی بین محصلین و دانشجویان و سائس افشار خلقی در تکرده اند "خیبر" را برای شمشو دادن خود که گویا در بین محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور جا دارند به نشر سپرده تا انرا بمنابه علامت تائید دو لست خویش برخ خلق افغانستان و جهانیان یکسانند. غافل ازینکه محصلین و دانشجویان رزمنده افغانستان در خارج از کشور همانند پدران، برادران خواهران و مادران ستمدیده خود که زسر چکمه های رویزونیم بسر میسرنده با قلبهای انگده از خشم نفرت بر ضد تره کسیرک این نوکران سوسیال امپریالیسم روس مبارزه میکنند، محصلین و دانشجویان افغانستان خواستار خوئیهای هر قطره خون پاک هزاران فرزند شهید کشور خود استند که با شیریه جان مادران ستمدیده وطن بزرگ و بیهوده در راه کودتا و کودتا بازی امپریالیست ها و سوسیال امپریالیستها روسی ریخته شده میباشند.

محصلین و دانشجویان دلیر افغانستان در خارج رسالت تاریخی خود را در برابر تاریخ و وطن و مردم خویش درک کرد مبعیج نیروئی اجازه نخواهند داد بر انها تجارت سیاسی کرده و مواضع شان را به لست کسانند. محصلین و دانشجویان وطنپرست افغانستان برای دفاع از اندیشه های ملی و انقلابی خویش توطئه های دولت ارتجلی افغانستان را افشا کرده، سدها، بلند اعتراض خود را بر ضد هر دو ابر قدرت و نوکران داخلی شان، دارودسته های تره کسیرک و "اخوان المسلمین" بکش خلقهای جهان و خلق رزمنده کشور خویش میسرنند. مبارزات محصلین و دانشجویان افغانستان بخش تفکیت نا پذیر مبارزات مردم بوده و با جنبش خلق در راه سرنگونی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم پیوند ناگسستنسی و ارگانیک دارد.

مترجمین و اپورتونیستهای رنگارنگ در هر فرصت کوشیده اند توده های مبارز افغانستان را از فرزندان شان جدا کرده، بشیوه های تفرقه انداز و حکومت کن بعممر تنگین خود ادامه داده اند. دولت ظالم شاه و چاکران تره اخوان الشیاطین، با صدور حکم تکفیر انقلابیون و تبلیغات ارتجاعیشان کوشیده اند بین مردم و فرزندان شان فاصله ایجاد کنند تا سطله شوم امریکا و ارتجاع غرب را در افغانستان حمایه کنند. دارودسته تره کسیرک نیز این شمشیر فرسوده را با صیقل رویزونیم جلا داده محصلین و دانشجویان را هوا خواه بوابسته بخود نشان میدهند تا در جنبش ریخته کرده بین خلق و فرزندان شان تفرقه اندازند. دولت ضد انقلابی میکشود و انمود سازد

که محصلین و دانشجویان افغانی با اعمال خائنانه اش موافقت دارند. در حالیکه واقعیت درست عکس تبلیغات خائنانه آنها بوده، محصلین و دانشجویان سرکوب و خائنه مردم شریف افغانستان را که توسط ارتش ارتجاعی دولت با سلاحها و کارگزاری کارشناسان نظامی روسی صورت میگردد جدا تقبیح نموده بر ضد اعمال فاشیستی شان مبارزه میکنند.

محصلین و دانشجویان انقلابی کشور از اولین روزهای اکتبر و نیز در افغانستان انرا از درون جنبش انقلابی مردم مصلح و علیه ان مبارزه کرده اند. سیاسی تئوریک - سیاسی و ایدئولوژیک شانرا که از زراد خانه خروشف این مملکت تاریخ منشا میگردد بر ملا ساختند. شعله مبارزات روشنفکران انقلابی اصالت خروشی روزنویسهای افغانی را در هر کجائی که خواسته اند در صفوف جنبش انقلابی لانه سازند افشا کرده است.

دارودسته تره ت - بیرک بس از کودتای ۷ نور ۱۳۵۷ خود را بر خلق افغانستان تحمیل و با شعبده بازی سیاسی در پی جلب توجه خلق بپا خاسته کشور بر آمدند. استاد شعبده باز گلوله های ثقیل خارج از تصور را از دهن بیرون میریزد و سر رشته کلفذ الوان بدست شاگرد میدهد تا آنجائیکه تماشاچی خواسته باشد از حلقم استاد کشیده شود و زمانی هم طبل و نی سر میدهند تا در افسون خود را نمایش دهند. شاگرد که در عطفش رسیدن به مقام استاد است در حقانیت افسون استاد سر میچنانده، اه میکشد و نجوا میکند. ولی هنگامیکه استاد سخت سرگرم هنرنمایی است، بلکه جنبانی، اه و عطش، ناله و نجوا شاگرد کم توجه میکند کاسه صبر شاگرد لبریز میشود گستاخانه با استاد حمله کرده چلنج فوت افسون میدهد. استاد خشمگین شده در ادر شاگرد خط میکشد، قصیده میخواند، بگرامات پیرو اولیای خود رجوع میکند و در انتظار رسیدن کرامات چشم با سمان شمال میدوزد. هنوز لحظه ای نمیگذرد که شاگرد گستاخ شروع بزدن بر صورت میکند و وجودش با رتماش سرگ می آید. شاگرد به عنف او تملیم و با عذر و نیاز دستهایش را میوسد. استاد از عذاب و تعذیب بیشتر شاگرد منصرف و او را باخارج از صحنه نمایش تنبیه میکند. استاد با چهره موفق نمایش را گرم و گرم تر جلوه میدهد تا در ازلی کراماتش حق نمایش بیشتری نصیب گردد. مردم قبل از مقدمه کوی استاد شعبده باز برای جمع آوری حق نمایش صحنه را ترک و برریش این صحنه سازان میخندند.

خلق دلیر افغانستان در حالیکه وابستگی کامل دولت ضد انقلابی افغانستان را درت کرده اند شجاعت در گیر مبارزات رو در روی بان میانند. محصلین و دانشجویان و افغانهای خارج از کشور برای دفاع از مواضع انقلابی و ملی خویش در تائید مبارزات مردم ماهیت قلابی دارودسته تره ت - بیرک را با تاریخچه و تفکرونی، سازشکاری و ضد انقلابی بودن شان افشا میکنند.

خلق شریف افغانان با درت ماهیت چاکر منشانه دارو دسته تره ت - بېرک سمن چارزاتي خود را فراموش نکرده بمقاومت هميشگي خویش ادامه داده اند. این مقاومت در مقابل استعمار اقتصادي، فرهنگي و مداخلات سياسي خطاي روس بیش از پیش شدت یافته و تا قطع کامل نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیستهای امریکايي ادامه خواهد داشت. روشنفکران شريفی که تا دیروز کودتای تره ت - بېرک فریب شان را خورده بودند پس از کودتا و پشت گشاندن روز و نیمتها ب مردم از آنها بریده برای مبارزه بر ضد روسها و نوکران داخل. شان در صف مردم پیوسته و میبندند. روشنفکران انقلابي مجدانه کوشاست تلاش های شیدانسه " اخوان المسلمین" را که میخواهد رهبری جنبش خلق را بسود امپریالیسم امریکا و ارتجاع غرب ب همکاری ریزه خواران خون ضاهر شاه و داود شاه بدست گیرند افشا و نقش بر آب سازند. محصلین و دانشجویان انقلابي در حالیکه مبارزات خلق بر ضد سوسیال امپریالیسم شوروی را بنظر قدر نگرسته ماهیت بانداخوان الشیاطین، این جاسوسهای امریکايي را که با قیای روحانیست و دفاع از روحانیت خود را پشانده اند، افشا میکند. اخوان الشیاطین که مزورانه میخواهد در بین جنبش مردم نفوذ و مبارزات انقلابي نموده ها و روحانیون مشرقی افغانستان را به لوث کشانده دشمنان خلق و جنبش افغانستان اند که در کینه تیزی با خلق افغانستان از دار و دسته تره ت - بېرک هیچ دست کمي ندارند. خلق افغانستان برای رسیدن بازادی یعنی راندن سوسیال امپریالیسم شوروی و ترد امپریالیسم امریکا و ضرب از افغانستان بپا خاسته اند و در راه بدست آوردن این ارمان والای خون شهیدان بشمارن داده اند که یقیناً خون سرخ شان بباراورد کردن درخت آزادی افغانان و رویاندن لاله های رنگین آزادی خواهد انجامید.

کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانیون مشرقی با هم متحد شوید - دست تجاوزکاران روسی را از افغانستان کوتاه و توطئه های امپریالیسم امریکا را افشا کنید!
دارو دسته تره ت - بېرک را سرنگون و اخوان الشیاطین را از صفوی خود ترد کنید!

به پیش بسوی افغانستان آزاد، آباد و مستقل!
مردم افغانستان خواستار اخراج فوری روسها از افغانستان
است
دست تجاوزکاران روسی از افغانستان کوتاه!